

یادداشت

جدیت زدایی و سیاست زدایی
کنش های فضای مجازی در ایران

علیرضا جباری دارستانی
روزنامه نگار

کنش های سال های اخیر در فضای مجازی جامعه ایران، واجد وجوه نمایشی، تبلیغاتی، ابزاری و مصرفی شده است. این وجوه در برخی موارد آنچنان حاد می شوند که متن را به حاشیه حواشی نمایشی و پرستیژسازی می برند. فقط کافی است بروزات فعالیت های اجتماعی و گاه سیاسی کنشگران این عرصه را در چند نمونه به یاد آورید تا درک این گزاره که تا چه حد متن به حاشیه رفته، آسان شود. مثلاً قرار است تعدادی دختر و پسر در زمینه یک کنش اجتماعی یا محتوای «حمایت از حقوق حیوانات» در اینستاگرام پستی منتشر و بر ضرورت مراقبت از گربه های خیابانی تاکید کنند؛ نمایشی که در کلیپ شان به راه می افتد در کنار نشان دادن یک یا چند گربه بیچاره، واجد نشانه های پررنگی از سبک زندگی تینیجری بورژواهای ایرانی، نمادهای پنهان مانده در لایه های مختلف روابط ایرانیان، طرز حرف زدن لوس و استفاده حاد از واژگان خودساخته غربی- ایرانی خواهد بود. اینها را اضافه کنید به اصطلاحات ظاهرا «کول» بچه پودارها و احتمالا پر از خودنمایی مبتنی بر جدیدترین مدهای لباس و تازه ترین رنگ ها و مدل های مو، ساعت، کفش، کتاب و...

دیدن چنین کلیبی چنان مساله اساسی و متنی «حمایت از حقوق حیوانات» و در اینجا مثلا گربه های خیابانی را به حاشیه می راند که تیزترین افکار و نگاه ها از ارتباط دادن آنچه می بینند با آنچه «باید» درخصوص حقوق حیوانات رعایت کرد، ناتوان خواهند ماند. متن چنان به حاشیه رانده می شود که هرگونه زوده شده و هیچ القای معناداری درخصوص امر مذکور به مخاطب صورت نمی گیرد.

کنش های اینچنینی در فضای مجازی کشور ما سطوح و تنوع بسیار زیادی دارد و تقریباً همه ما را اعم از نخبه، هنرمند، سلبریتی، مسئولان چهره فرهنگی و عامه مردم درگیر خود می سازد. به ویژه اگر این وجه نمایشی و جدیت زدایی کنش های فضای مجازی با فرهنگ عمومی، با روحیه طنزآزانه و تمایل جنون آمیز این روزهای طبقه متوسط شهری در ایران به «کول بودن» ادغام شود، فضا را به طرز حادثی از گزهر می کند. نمونه های اغلاعی این کنش های از گزهر را در جریان وقوع زلزله کرمانشاه و پس لرزه های متعاقبش در فضای مجازی شاهد بودیم؛ همچنین در جریان همه مشکلاتی که این سال ها برای هموطنان مان به وجود آمد، اعم از گرانی ها و فقدان امنیت خودروها، خرید و فروش های بی منطق دلار، سکه، خودرو و مستغلات، نزاع ها، خشونت های خیابانی و... که جان و مال عده ای از هموطنان مان را با مخاطرات جدی مواجه کرد، و هرکدام شان به تنهایی می توانست در یک فضای مجازی/حقیقی «معقول» بستری را برای مطالبات منطقی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی سازنده فراهم کند، چطور به بهانه های جوک سازی و بانمک بازی بدل شده و به این واسطه امکانات مطالبه گری جدی سیاسی و اجتماعی به منظور اصلاح بسیاری از ساختارها و سوزها را از بین برده است.

گاه در این زمینه، روحیه تیز و طنز و احتمالاً هوشمند ایرانی ها مورد ستایش قرار می گیرد و گفته می شود در فضایی بسته که راه انتقاد مسدود است، مردم به طنزهای انتقادی روی می آورند؛ گاهی هم در همین مسیر، هر منتقدی به این نوع کنش های طنزآزانه و کمیک با اتهاماتی از جمله «ستاینندگان غم و غصه» و «با خودشان هم قهر» و... رانده می شوند و آن پدیده «کول بودن» به هر قیمتی بیشتر و بیشتر عمق می یابد. اما آنچه در این منطق نیمه کاره مفعول می ماند خلط بین این کول بازی خنک با کار طنز انتقادی کاملاً برنده و سوزاننده است! کارهایی که اتفاقاً به دلیل دارا بودن وجوه ناب سیاسی و جدیت اخلاق مدارانه و آرمان خواهانه انسانی، برنده و سوزاننده اند.

آنچه در فضای مجازی ایرانی به عنوان شوخی با رخدادهای عموماً فاجعه بار که پسر از وجوه جدی، سیاسی و اجتماعی هستند، رخ می دهد نه تنها عاری از آن جدیت سیاسی موجود در یک اثر طنز اصیل است، بلکه در اشکال لوده، پوچ و مضحکی که به خود می گیرد و نشان از عاری بودن اندیشه جدی در پس آنها است، هم محوکننده وجه جدی حیات اجتماعی است، هم نابودکننده وجه پررنگ سیاست و مواجهه های طبقاتی در زندگی کنونی. به همین دلیل آنچه در اینجا دیده می شود یک کنش جمعی «جدیت زدا» و «سیاست زدا» است و عموماً حکم مصرف مخدری را دارد که با آن بتوان در مجاورت مصیبت و سختی های موجود در حیات کنونی «شنگول» شد، مصائب را تاب آورد و با وضعیت مصیبت بار ادامه داد.



تلاش مجازیست ها برای خندانن

سایه روشن طنز گرام



افشین حیدری
روزنامه نگار

هنر «طنز» و «طنز نویسی» زمانی با اقبال مخاطباتش مواجه می شود که علاوه بر شناخت اصول ادبی، واجد نکته بینی های ظریفی باشد و بتواند با چاشنی طنز، ضریب نفوذ نقد را بین مردم ارتقا دهد. این روزها با گسترش شبکه های اجتماعی و قدرت اثر آن در جامعه امروز ایرانی، شاهد شکل جدیدی از پدیده طنز در دنیای مجازی هستیم که از مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، جدیت زدایی می کنند. این شکل طنز نویسی در دنیای مجازی، لاجرم دچار نوعی بی هویتی از سمت خالقانش است اما هستند طنز پردازانی که با هویت حقیقی و همچنین متکی به آموزه های طنز نویسی در دنیای مجازی فعالیت می کنند. با سه تن از طنز نویس جوان در مورد حضور طنز نویس در رسانه ها و شبکه های اجتماعی گفت و گو کردیم که در ادامه می خوانید.

رسانه های طنز جوابگوی فعالان این حوزه نیستند

فضای مجازی وجود ندارد. در اینستاگرامی که محلی برای تفریح و سرگرمی مخاطب است و در آن مخاطب به دنبال گذراندن وقت آزاد خود است چگونه می توان انتظار داشت که حرف های تخصصی را درخصوص مسائل کشور دنبال کند. بیش از هر چیز مخاطب در اینستاگرام به دنبال اطلاع از زندگی شخصی فلان بازیگر و سرگرمی های مخصوص خود است و مطرح کردن مطالب تخصصی از حوصله مخاطب خارج است و خیلی هم بازخورد ندارد. در حالی که در فضای توئیتر فکر می کنم شرایط بهتر و مستعدتری برای بیان نظرات کارشناسی فراهم است. البته سعی کردم همواره و تا آنجا که فرصت و شرایط اجازه دهد در صفحه شخصی ام در اینستاگرام، نقدهایی را به صورت مختصر و مخصوص کاستی های جامعه با هواداران در میان بگذارم ولی با توجه به محدودیت های کاراکتری که در اینجا وجود دارد، مطالب تخصصی تر را در سایت منتشر می کنم.

در سال هایی که در این حوزه مشغول نوشتن هستید چقدر در همراه کردن جامعه و آگاه کردن مردم نسبت به مشکلات اطراف خود موفق بودید و به نوعی توانستید با قلم خود تاثیر گذار شوید؟



همیشه طنز پرداز در مواجهه با مسائلی که حساسیت هایی را در کشور، شهر و محله خود به وجود آورده است، احساس مسئولیتی می کند و در صف مقدم منتقدان قرار می گیرد. البته باید گفت که وظیفه او حل مشکلات جامعه و ارائه فرمول به مردم و مسئولان نیست بلکه بیشتر شناسایی مشکلات و ارائه نقدهای منصفانه و صحیح است. روزنامه نگار طنز نویس همیشه سعی کرده تا به کمک مسئولان بیاید و در جاهایی که مسئول از کمبودهای حوزه خود غافل است او را تحریک کند تا قدمی برای حل آن بردارد. نمونه های این فعالیت ها را خود در این سال ها برای حفظ اینیه تاریخی و محیط زیست انجام دادم که بسیاری از آنها مورد توجه مسئولان امر قرار گرفت و به حل آن پرداختند.

پیشنهاد تخریب کاندید ریاست جمهوری را رد کردم

زهرا زوی نصر آباد و... دانست که باعث شده همیشه از ادب و احترام در بیان مطالب خود استفاده کنم. زنده یاد منوچهر احترامی همیشه در سوال هایی که پیرامون حساسیت های نوشتن طنز وجود داشت با این عنوان بیان می کردند که من روی خط قرمز می نشینم اما رنگی نمی شوم. بدون شک اگر کسی چارچوب ها و حدود خود را بشناسد و بداند که چه شکلی حرکت کند، هیچ وقت دچار مشکل نمی شود. گفت و گو با وی را در ادامه می خوانید.



مهدی فرج اللهی را باید یکی از طنز نویسان با اخلاقی دانست که همیشه رعایت احترام در صحبت ها و کارهای او دیده می شود. پای ثابت اکثر برنامه های طنز تهران است و به گفته خودش هر کاری را برای پیشرفت طنز نویسی انجام می دهد. سال هائوستدگی در برنامه های طنز را دیو، نشریات

مکتوب از قبیل گل آقا، سه نقطه و مجلات رشد آموزش و پرورش را در کارنامه خود دارد و معتقد است اگر طنز نویس چارچوب ها و حدود خود را بشناسد و بداند که چه شکلی حرکت کند، هیچ وقت دچار مشکل نمی شود. گفت و گو با وی را در ادامه می خوانید.

به عنوان نویسنده ای که در اینستاگرام هم حضور دارید، می خواستم بدانم چقدر ارائه مطالب تخصصی و نقدهای اجتماعی در آنجا با استقبال مخاطبان روبه رو می شود؟

به نظر، ما هر رسانه می توان برای انتقال پیام به مخاطب استفاده کرد. حالا این رسانه می خواهد سایت باشد یا روزنامه یا شبکه های اجتماعی. به هر حال هر کدام از آنها برای خود، مخاطبان خاص خودش را دارد و طنز پرداز باید با هنر خود به دنبال تولید محتوا بر اساس ویژگی های آن رسانه باشد. در این سال ها شکل گیری بستر اینترنتی و اپلیکیشن های ارتباطی که روز به روز هم بر تعداد آنها افزوده می شود، می توانند محدودیت های رسانه های سنتی از قبیل روزنامه، صدا و سیما و... را کنار بزنند و مطالب نویسندگان و شاعران را خیلی راحت و بدون پرده با مخاطبان خود به اشتراک بگذارند؛ البته نباید میزان لایک و نظرات مثبت مخاطبان را ملاکی برای خوب بودن اثر دانست چون ممکن است همان نظر از جانب کارشناسان و داوران مورد تایید نباشد.

در این سال هایی که نویسنده ای و کار اجرا کردید تا حالا پیش آمده به علت گفتن یا نوشتن مطلبی با شما برخوردی صورت بگیرد؟

خبر، این موضوع تا به حال برای من اتفاق نیفتاده است و آن را باید مرهون زحمات اساتیدی چون ناصر فیض، عسمران صلاحی، زنده یاد منوچهر احترامی، ابوالفضل

غفلت رسانه های انقلابی از طنز

دیدارهای نویسنده گان و شاعران با رهبری چقدر توانسته نظر مسئولان فرهنگی را نسبت به طنز عوض کند؟



در سال های اخیر کلیپ هایی که از دیدار با ایشان بیرون آمده و مورد توجه مردم قرار گرفته، بیشتر به اشعار طنز اختصاص داشته است. مطمئناً وقتی بالاترین مقام کشور نسبت به مسائل مطرح شده بازخورد جالبی دارند و لیکن می زنند، می توانند در رویکرد مسئولان هم تاثیر بگذارد و کمتر شاهد مقاومت در انتشار محتوای طنز باشیم. حتی در روزگار فعلی که به برکت شبکه های اجتماعی، مردم دارای صفحات شخصی هستند با حجم انبوهی از مطالب طنز روبه رو هستیم که مقابله کردن با آن را نسبت به گذشته مشکل کرده است.

در رسانه ها خیلی به طنز توجه نمی شود، دلیل این موضوع کم توجهی مدیران رسانه ها است یا تعداد کم طنز نویس؟

طنز همیشه سخت تر از سایر قالب های ادبی است و به قول جناب زهرا زوی نصر آباد، طنز بعد تخصصی ادبیات است و همان طور که یک پزشک بعد از اخذ دوره عمومی تخصص می گیرد، طنز هم بعد تخصصی ادبیات است و فرد بعد از آشنایی با اصول نوشتن، می تواند وارد این حوزه شود. البته باید گفت که چطور می توان در نبود ستون طنز در رسانه ها انتظار داشت که طنز پرداز رشد کند. البته این رشد در رسانه های ارزشی و حزب اللهی در این سال های اخیر کمتر وجود داشته است.

هر جوهایی که در باشگاه طنز انقلاب پرورش می یابند چقدر مستعد و توانمند جهت ورود به بازار کار هستند؟ افرادی که در این حوزه هستند رسماً بعد از گذراندن دوره های آموزشی می توانند متن بنویسند، کتاب منتشر و در رسانه های فعالیت کنند.

بدون شک اگر طنز پرداز انقلابی می خواهیم راهی نداریم جز اینکه فضای فعالیت را ایجاد کنیم. چند سال پیش با مورد اقبال قرار گرفتن انیمیشن های «دیرین دیرین» از کلی نهادهای سفارش کار آمد که محتوایی شبیه آنها می خواهیم در حالی که اصلاً خیلی از آنها ستون طنز نداشتند.

محمدرضا شهبازی نزدیک به چهار سال است که مجموعه باشگاه طنز نویسان انقلاب را در مجموعه دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب راه اندازی کرده است. مجموعه ای که کلاس های آموزشی، نشست ها و محافل تخصصی، فعالیت های رسانه ای و بسیاری برنامه دیگر را برگزار می کند. انتشار ضمیمه راه راه

روزنامه وطن امروز، سایت راه طنز از کارهای وی در حوزه مطبوعات به شمار می آید. گفت و گو با وی را در ادامه می خوانید.

تولید هجو و فکاهه که توسط افراد زیادی صورت می گیرد باعث شده تا مردم مشخصی در انتخاب مطلب طنز واقعی برای مردم وجود نداشته باشد. این موضوع چقدر در کار شما خلل وارد کرده است؟

مطمئناً اینکه در روزگار فعلی با حجم زیادی از تولیدات با درون مایه طنز روبه رو هستیم، امری بدیهی است ولی همه آنها در زمره طنز فاخر ادبی قرار نمی گیرند و باید مرز مشخصی را برای آنها قائل بود.

هجو همیشه با تمسخر و لودگی همراه است در حالی که در طنز فاخر با این موضوعات روبه رو نیستیم و شاید تعریفی که در میان مردم وجود دارد هر نوع مطلب فکاهه و هزل را طنز می نامند و کمتر شدن مرزها باعث شده تا دچار چنین مشکلاتی شویم. در اینجا وظیفه طنز پردازان است که سعی کنیم با تهیه خوراک های زیاد برای مخاطب آنها را از دنبال کردن این مطالب سیخف برحذر دارم.

در تولید مطالب نشریات چقدر توجه به مشکلات مردم را دنبال می کنید؟

تفاوت طنز مطبوعاتی با گونه های دیگر طنز در این است که بر اساس سوزهای روز مشخص می شود تا در حد خود مشکلات را به مسئولان گوشزد کند که البته این مهم نیازمند هوشمندی و نگاه حرفه ای نویسنده به موضوع است تا ریشه های مشکلات را هر چه بهتر شناسایی کند. مثلاً در شرایط اقتصادی الان، طنز نویس ممکن است این موضوع را در کاهش ارتباط با دنیای فعلی مطرح کند که برخلاف اصل موضوع شاید مخاطب را دچار گمراهی کند در حالی که این آدرس اشتباه دادن است.